



"Studies of Spirituality"; a Field of Study or an Academic Major?

Ahmad Shakernejad¹

Received: 08/12/2022

Accepted: 24/01/2023



Abstract

Following the development of interest in spirituality, studies of spirituality are also developing day by day. However, facing a multitude of studies in the field of spirituality raises the question in the mind as to whether a field called "spirituality studies" has been created or whether these studies are limited to scattered studies or at least to the extent of forming a new field of study. In this article, after introducing the types of studies available in this regard, through focusing on the studies that have categorized and drawn the spirituality studies in the West in a secondary way, we seek to find an independent field of "Spirituality Studies" in the three areas of social studies, religious studies and theological studies via citation analysis. The finding of this research suggests that it is only in the field of theological studies that researchers have reported the formation of an independent field of "spirituality". Of course, this claim needs evaluation. After introducing experts, departments, and works produced in this field, this article tries to evaluate this claim through a priori approach and provide an answer to the question of whether spirituality is an academic major or a field of study.

Keywords

New spirituality, spirituality, Spirituality studies, Spiritual Theology.

1. Assistant Professor of Islamic Sciences and Culture Academy. Qom, Iran. shakernejad@isca.ac.ir.

* Shakernejad, A. (1401 AP). The Relationships between Ethics and Studies of Spirituality in the Paradigm of Islamic Sciences. *Journal of Islam and the Studies of Spirituality*, 1(1). pp. 125-153. DOI: 10.22081/JSR.2023.65472.1035



«مطالعات معنویت»؛ حوزه مطالعاتی یا رشته دانشگاهی؟

احمد شاکر نژاد^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۷



چکیده

به تبع گسترش علاقه به معنویت، مطالعات معنویت نیز روز به روز در حال رونق است. اما مواجهه با انبوهی از مطالعات در زمینه معنویت این پرسش را در ذهن ایجاد می‌کند که آیا رشته‌ای با نام «مطالعات معنویت» به وجود آمده است یا اینکه این مطالعات در حد مطالعات پراکنده و یا دست‌کم در حد تشکیل حوزه جدید مطالعاتی است. در این مقاله پس از معرفی انواع پژوهش‌های موجود در این باره با تمرکز بر مطالعاتی که به شکل ثانویه به دسته‌بندی و ترسیم اطلس مطالعات معنویت در غرب اقدام کرده‌اند، با روش استنادی در پی یافتن رشته مستقل «مطالعات معنویت» در سه زمینه مطالعات اجتماعی، مطالعات دینی و مطالعات الهیاتی خواهیم بود. یافته این پژوهش آن است که در این میان تنها در زمینه مطالعات الهیاتی است که محققان از شکل‌گیری رشته مستقل «معنویت» خبر داده‌اند. البته این ادعا نیازمند ارزیابی است. مقاله حاضر پس از معرفی متخصصان، گروه‌های علمی و آثار تولیدشده در این عرصه، تلاش می‌کند با رویکرد پسینی به ارزیابی این ادعا پرداخته و پاسخی برای این پرسش فراهم آورد که آیا معنویت یک رشته دانشگاهی است و یا یک حوزه مطالعاتی؟

کلیدواژه‌ها

معنویت جدید، معنویت‌گرایی، مطالعات معنویت، الهیات معنوی.

shakernejad@isca.ac.ir

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

* شاکر نژاد، احمد. (۱۴۰۱). «مطالعات معنویت»؛ حوزه مطالعاتی یا رشته دانشگاهی؟. دوفصلنامه علمی - تخصصی

اسلام و مطالعات معنویت، ۱(۱)، صص ۱۲۵-۱۵۳.

DOI: 10.22081/JSR.2023.65472.1035

مقدمه

در سده اخیر به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم واژه معنویت بسیار پر کاربرد شده و غیر از کاربردهای سابق آن، که به بخش یا سبکی از دینداری اشاره داشت، به تمام دین و یا امری فراتر از دین (که دین را نیز دربردارد) نیز دلالت دارد. علاوه بر این، معنویت در کاربرد جدیدش تا حدی در تقابل با کل دین و یا در تقابل با دین نهادینه نیز به کار می رود (ر.ک: شاکر نژاد، ۱۳۹۷). به موزات گسترش کاربریت این واژه و تبدیل آن به یک اصطلاح و همچنین به تبع گسترش پدیده اجتماعی معنویت گرایی جدید، مطالعات معنویت نیز در سال‌های اخیر گسترش یافته است.

اگر بخواهیم اصطلاحات بحث را تدقیق کنیم باید چنین گفت که مراد از معنویت می‌تواند: (۱) معنویات (امور معنوی)، (۲) تجربه معنوی (زیست معنوی به مثابه تجربه زنده دینداری)، (۳) معنویت گرایی (جریان یا جنبش فرهنگی اجتماعی) باشد. حال وقتی شخصی در بافت دانشگاهی سخن از «معنویت پژوهی» یا «مطالعات معنویت» به میان می‌آورد ممکن است مراد وی از «معنویت» صفت، رویکرد، روش و یا مکتب مطالعاتی باشد و یا از به کارگیری واژه معنویت یک حوزه و یا قلمرو مطالعاتی را اراده کرده باشد. با توجه به این نکته در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان معنویت پژوهی را سه نوع دانست:

اول) مطالعات معنوی (مطالعه یا مطالعاتی که وصف یا رویکرد و روش آن معنوی است)؛

دوم) مطالعات معنویت (مطالعه یا مطالعاتی که موضوع یا قلمرو آن معنویت به مثابه تجربه زیسته است)؛

سوم) مطالعات معنویت گرایی (مطالعه یا مطالعاتی که موضوع یا قلمرو آن معنویت به مثابه یک پدیده اجتماعی و فرهنگی است).

معنویت پژوهی در هر سه شکل خود (مطالعات معنوی، مطالعات معنویت و مطالعات معنویت گرایی) می‌تواند در یکی از چهار سطح زیر انجام شود:

۱. مطالعات پراکنده (Study)؛

۲. حوزه مطالعاتی (Field)؛

۳. رشته دانشگاهی (Discipline)؛

۴. علم مستقل (Science)؛

به عبارتی باید گفت اگر مطالعات پراکنده درباب معنویت به انباشت دانش منجر شود ممکن است حوزه‌ای مطالعاتی (با جریان یا جریان‌های مشخصی) را شکل دهد و اگر آن جریان‌ها در قالب مکتب و مدرسه یا دپارتمان دانشگاهی به شکل منسجم و نهادینه دانش تولید شده را به دیگران انتقال دهند و همچنین بتواند نشان دهند که یا در روش، یا در موضوع و یا در نهایت تفاوت غیرقابل جمعی با دیگر رشته‌های دانشگاهی دارد آن حوزه مطالعاتی به یک رشته دانشگاهی تبدیل می‌شود؛ همچنین آن رشته اگر بتواند نشان دهد که به تعبیر پیشینیان در رئوس ثمانیه یعنی در تعریف، فایده، موضوع، مؤلف، ابواب، جایگاه، غرض و روش با دیگر علوم تفاوت دارد تبدیل به یک علم مستقل می‌شود.

لغت‌نامه آکسفورد در تعریف دیسپلین آن را شاخه‌ای از دانش یا آموزش دانشگاهی می‌داند. اما به طور تخصصی رشته دانشگاهی چارچوبی برای برنامه تحصیلی دانشجویان است که جهان عالمانه و علمی آنها و راه ارتباط بین استادان و دانشجویان را نظم می‌بخشد و نظریه‌ها، مفاهیم، روش‌ها را ساماندهی کرده و با برنامه منظم آموزشی آنها را به نسل بعدی منتقل می‌کند (تفضلی، ۱۳۹۴، صص ۱۰-۱۱). رشته دانشگاهی دست کم دارای این شش ویژگی است:

۱) یک موضوع مشخص دارد؛ ۲) بر مجموعه‌ای از دانش‌های تخصصی و انباشه شکل یافته‌اند؛ ۳) مفاهیم و نظریات در آنها ساماندهی شده است؛ ۴) واژه‌های تخصصی و زبان اختصاصی دارد؛ ۵) براساس نیازهای خود روش‌های پژوهشی مختص به خود را ایجاد کرده است؛ ۶) جنبه و جلوه سازمانی و نهادی داشته و در قالب آموزش دانشگاهی، دپارتمان‌ها و مجلات تخصصی و یا انجمن‌های حرفه‌ای به فعالیت مشغول است (یغمایی، ۱۴۰۱).

ویژگی دیگری که می‌توان به موارد بالا افزود این است که آیا متخصصان دیگر

رشته‌های دانشگاهی به‌ویژه متخصصان رشته‌های رقیب یا مشابه نیز به استقلال یک رشته و یا تشکل یک رشته دانشگاهی اعتراف کرده‌اند یا خیر. این ویژگی هرچند شرط لازم به حساب نمی‌آید اما می‌تواند اهمیت و قوت یک رشته دانشگاهی در میان دیگر رشته‌های دانشگاهی را نیز نشان دهد.

هرچند برخی فیلد یا حوزه مطالعاتی را با دیسپلین هم معنا دانسته‌اند، به طور تخصصی این دو با یکدیگر متفاوت‌اند. فیلد تنها در برخی از ویژگی‌ها با نظم و ترتیب اشتراک دارد. ویژگی اصلی یک فیلد همان وحدت موضوع است. البته در برخی موارد ممکن است در یک فیلد اصطلاحات، نظریه‌ها و روش‌ها نیز تشخیص یابند اما تفاوت در اینجاست که فیلد بسیار گسترده‌تر از یک دیسپلین است؛ از این رو تشخیص روشی، اصطلاحی و ساماندهی نظریه‌ها در آن شرط نیست. اما تفاوت اصلی در آن است که یک دیسپلین جنبه نهادی نیز دارد و به اشکال گفته شده از نسلی به نسلی دیگر انتقال می‌یابد اما در حوزه مطالعاتی این امر وجود ندارد (یغمایی، ۱۴۰۱).

البته به گفته سانتوش آریکوزیلی^۱ رشته‌ها گاهی از تخصصی شدن دانش‌ها ایجاد می‌شوند و گاهی از تخصصی‌تر شدن رشته‌های موجود و گاهی نیز از تلفیق دو یا چند رشته. این امر یعنی نحوه تاریخی تحول و یا ایجاد رشته‌ها موضوع این مقاله نیست، پس بررسی ادعای وجود رشته دانشگاهی معنویت می‌تواند موضوع پژوهش دیگری باشد که چنین رشته‌ای چگونه به وجود آمده است (Areekkuzhiyli, 2017, p. 21).

پس در مقاله حاضر به دنبال کاربرد مطالعات معنویت^۲ و مطالعات معنویت‌گرایی^۳ در میان دانشمندان و محققان غربی هستیم و می‌خواهیم نشان دهیم که در میان محققان دانشگاهی، مطالعات معنویت و مطالعات معنویت‌گرایی چگونه تجلی یافته و آیا توانسته است تبدیل به رشته مستقل دانشگاهی شود؟ پس به طور طبیعی در این مقاله به معنای معنویت و حتی معنویت‌پژوهی در نزد مردم توجهی نخواهیم کرد. حتی به دنبال معنای

1. Santhosh Areekkuzhiyli.

2. Spirituality studies.

3. Study of spirituality.

معنویت پژوهی در مطالعات روزنامه‌نگاری و یا معنای آن در جریان‌های رواج‌دهنده معنویت و یا مقابله‌کنندگان با معنویت نیستیم؛ افزون بر این به معنای اول معنویت پژوهی یعنی مطالعات معنوی (که خود نوعی معنویت‌ورزی است) توجه نخواهیم کرد. بلکه می‌خواهیم بدانیم وقتی محققى در رشته‌های گوناگون دانشگاهی و یا در حوزه‌های مختلف پژوهشی (حال چه با رویکرد سکولار و چه با رویکرد دینی) سخن از «مطالعات معنویت و معنویت‌گرایی» به میان می‌آورد اولاً از چه نوع مطالعاتی سخن گفته و ثانیاً آن مطالعات در چه سطحی از سطوح چهارگانه بیان‌شده در حال انجام است.

برای پاسخ به این پرسش ابتدا سه زمینه مطالعاتی (علوم اجتماعی،^۱ مطالعات دینی^۲ و الهیات)^۳ که مطالعات معنویت و معنویت‌گرایی در آنها رواج دارد معرفی شده و سپس نشان خواهیم داد که در کدام زمینه این پژوهش‌ها در حد یک حوزه مطالعاتی در کنار دیگر حوزه‌های مطالعاتی است و هنوز تبدیل به یک رشته دانشگاهی نشده و در کدام زمینه توانسته است تبدیل یک رشته مستقل دانشگاهی شود. تمرکز این مقاله البته بر آن زمینه‌ای خواهد بود که این مطالعات توانسته است تبدیل به یک رشته شود.

در زبان فارسی پژوهشی درباره ماهیت رشتگی مطالعات معنویت وجود ندارد، اما این پژوهش درباره دیگر مطالعات انجام شده است به عنوان مثال مقاله «آموزش و توسعه منابع انسانی به عنوان یک رشته دانشگاهی» و یا مقاله «فهم معماری به مثابه رشته دانشگاهی» از جمله مواردی است که تلاش کرده‌اند به فهم ویژگی‌های رشتگی مطالعات مورد نظر بپردازند. البته موضوع این مقاله وجود یا نبود رشته مطالعات معنویت در غرب است شاید یکی از پژوهش‌های بسیار مرتبط مقاله میشل اوسالیوان^۴ با نام «معنویت: رشته جدید دانشگاهی» (O'Sullivan, 2008, pp. 71-77) باشد که در سال ۲۰۰۸ منتشر شده است. این مقاله با ارائه داده‌های توصیفی مقاله‌های مناسب برای محققان به

1. Social Sciences.
2. Religious studies.
3. Theology.
4. Michael O'Sullivan.

حساب می‌آیند اما مباحث آن به سطح تحلیل کشیده نشده است؛ افزون بر این داده‌های آن نیز نسبتاً قدیمی به حساب می‌آید و نیازمند تکمیل با داده‌های جدیدی است. البته در این مقاله به جای آنکه مستقیماً به سراغ شناسایی و دسته‌بندی انبوهی از مطالعات پراکنده معنویت برویم از همان ابتدا به سراغ پیشینه پژوهش روی این موضوع در غرب رفته‌ایم و تحقیق را براساس داده‌های تحقیقات ثانویه موجود سامان داده‌ایم؛ به عبارت دیگر منابع این پژوهش، پژوهش‌هایی است که خود نگاه درجه دوم و ثانویه به مطالعات معنویت داشته‌اند. در معرفی این پژوهش‌ها نیز به دنبال آن هستیم که بدانیم هر کدام از این آثار، نقشه کدام بخش از مطالعات معنویت و معنویت‌گرایی را ترسیم کرده‌اند. با معرفی و بررسی این آثار می‌توان دریافت که مطالعات معنویت به اذعان شمار قابل توجهی از محققان در کدام عرصه توانسته به مطالعات مستقلی تبدیل شود. پس از شناسایی آن عرصه به شکل جزئی‌تر در پی پاسخ به این پرسش بوده‌ایم که آیا این مطالعات در حد یک رشته دانشگاهی است و یا در حد یک حوزه مطالعاتی.

۱. دسته‌بندی پژوهشگران معنویت

معنویت (چه تجربه معنوی و چه معنویت‌گرایی) در حوزه‌ها و رشته‌های مختلف دانشی قابل پژوهش است اما این موضوع پژوهشی در چند دهه اخیر غیر از الهیات و مطالعات دینی بیشتر از همه در تعلیم و تربیت، مراقبت و سلامت، تجارت و مدیریت و مطالعات فرهنگی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است (De Souza, 2016, p.5). البته دامنه مطالعات معنویت در این سال‌ها (به تبع گسترش حوزه‌های عمل به معنویت) توسعه چشمگیری یافته است. معنویت در ادوار پیشین در گستره ادیان نهادینه و برخی از مکاتب شبه دینی تحقق می‌یافت، اما امروزه معنویت و عمل معنوی غیر از ادیان نهادینه در بسترهایی چون فرهنگ عامیانه، فضای سازمانی، تعلیم و تربیت، نظام سلامت و همچنین در دایره هنر قابل تحقق است (Hense, 2014, p. 220). از این روست که مطالعات معنویت پا از رشته‌هایی چون مطالعات دینی و الهیات فراتر نهاده و در دیگر رشته‌ها نیز پیگیری می‌شود. هر چند از لحاظ جغرافیایی عمده آثار مطالعات معنویت مربوط به کشورهای

انگلوامریکن و بعد از آن ژاپن و استرالیاست، این مطالعات در جوامع دیگر نیز رواج یافته و رگه‌هایی از برخی شاخه‌های آن را در ایران نیز می‌توان یافت. همان‌طور که گفته شد از آنجا که گستره این نوع مطالعات بسیار وسیع است به جای آن که مستقیماً به سراغ شناسایی پژوهش‌ها و دسته‌بندی آنها برویم به سراغ محققانی رفته‌ایم که با نگاهی درجه دوم به دسته‌بندی این مطالعات و ارائه نقشه و اطلس آن پرداخته‌اند. به این شکل سعی خواهیم کرد با خوانش و تحلیل این دسته مطالعات ثانویه، درکی بهتر از انواع مطالعات معنویت بیابیم و زمینه‌ای فراهم کنیم تا بتوان درباره پرسش اصلی پژوهش حاضر (یعنی چیستی مطالعات معنویت به عنوان یک رشته دانشگاهی مستقل) نظری دقیق‌تر ارائه کنیم.

در یک نگاه کلی محققانی که از فراز به انواع پژوهش‌های موجود نگریسته‌اند خود به طور عمده از سه پس‌زمینه علوم اجتماعی، مطالعات دینی و الهیات برخاسته‌اند. از این رو هر یک در عمل به ترسیم اطلس مطالعات معنویت در زمینه تخصصی خود توجه داشته‌اند. افرادی که زمینه علوم اجتماعی و مطالعات دینی داشته‌اند معنویت را یک پدیده فرهنگی اجتماعی (جریان، جنبش، فرهنگ و سبک زندگی) دیده‌اند و به دسته‌بندی پژوهش‌های مربوط به این لایه از پدیده پرداخته. اما پژوهشگرانی که از زمینه الهیاتی برخاسته‌اند معنویت را بیشتر یک تجربه زیسته و زنده از دینداری دانسته و در ترسیم اطلس پژوهش‌های معنویت در عمل به گزارش و دسته‌بندی فعالیت‌های پژوهشی پرداخته‌اند که بر این لایه از معنویت متمرکز بوده‌اند.

محققان بسیاری در حوزه مطالعات معنویت و معنویت‌گرایی فعال هستند، اما چنانکه گفته شد، در این‌جامهم‌ترین محققانی که به شکل درجه دوم به تولید پژوهش مروری درباره مطالعات معنویت پرداخته و با نگاهی ثانویه سعی کرده‌اند درباره این نوع مطالعات درکی از فراز ارائه کنند، بر اساس زمینه مطالعاتی آنها معرفی می‌کنیم تا از نگاه آنها بتوانیم درکی از چیستی مطالعات معنویت به دست آوریم.

۱-۱. زمینه علوم اجتماعی

معنویت به‌ویژه معنویت‌گرایی جدید به مثابه یک پدیده اجتماعی و فرهنگی مورد

توجه پژوهشگران علوم اجتماعی است. در زمینه علوم اجتماعی غیر از پژوهش‌های که مستقیماً به این پدیده پرداخته‌اند آثاری نیز تولید شده است که با نگاه ثانویه به معرفی و دسته‌بندی این پژوهش‌ها توجه داشته‌اند؛ برای مثال مارین د. سوزا^۱ پژوهشگر استرالیایی و متخصص در زمینه تعلیم و تربیت و علاقه‌مند به مطالعات بین رشته‌ای معنویت کتابی با نام «معنویت در خلال رشته‌ها»^۲ را به همراه دستیارانش تهیه و تنظیم کرده و در آن اطلس مطالعات معنویت در رشته‌های مختلف را رسم کرده است.

کورتنی بندر،^۳ جامعه‌شناس دین است و معتقد است در جامعه‌شناسی و علوم سیاسی در باب مفهوم جدید معنویت و معنویت‌گرایی جدید در حد یک حوزه مطالعاتی مستقل پژوهش‌های قابل توجه تولید شده است. وی و مک رابرتز در تکنگاشتی با نام «ترسیم نقشه یک رشته»^۴ به بیان ویژگی‌های مطالعات معنویت می‌پردازد و به لزوم توجه بیشتر به تبارشناسی معنویت و مطالعات معنویت تأکید می‌کند.^۵

افراد دیگری مانند اندرو سنگلتون،^۶ استاد جامعه‌شناسی دانشگاه دکین،^۷ متیو وود^۸ مدرس رشته جامعه‌شناسی^۹ دانشگاه کوپین،^{۱۰} کیرن فلاناگان^{۱۱} محقق سابق جامعه‌شناسی^{۱۲} در دانشگاه بریستول^{۱۳} و رئیس انجمن جامعه‌شناسان دین بریتانیا،^{۱۴} آدام

1. Marian De Souza.

2. Spirituality across Disciplines.

3. Courtney Bender.

4. Mapping a field: why and how to study spirituality.

5. Mapping a field.

6. Andrew Singleton.

7. Deakin University.

8. Matthew Wood.

۹. وی در سال ۲۰۱۴ به دلیل تومور مغزی در سن ۴۴ سالگی از دنیا رفته است.

10. Queen's University.

11. Kieran Flanagan.

۱۲. این محقق جامعه‌شناس را نباید با خانم برنادت فلاناگان (Bernadette Flanagan) که به مطالعات معنویت با رویکرد الهیاتی می‌پردازد اشتباه گرفت.

13. University of Bristol.

14. British Sociological Association. Sociology of Religion Study Group.

پوسامی،^۱ جامعه‌شناس دانشگاه سیدنی غربی،^۲ استیو آپرز^۳ محقق جامعه‌شناسی فرهنگ و متخصص مطالعات رسانه در دانشگاه لیوون^۴ و دیک هاتمن^۵ محقق جامعه‌شناسی فرهنگی (با تخصص جامعه‌شناسی دین و معنویت‌گرایی جدید) در دانشگاه اراسموس^۶ در آثار خود به ترسیم اطلس این مطالعات توجه ویژه داشته‌اند. همچنین دوون برری^۷ (از زمینه پزشکی و سلامت)، ناتاسیجا اسمیلجانیک^۸ (از زمینه حقوق) و پم مک کارول^۹ (از زمینه روانشناسی) و پیتر هلمز^{۱۰} (از زمینه مدیریت) هر یک مقاله‌ای در انواع مطالعات بینارشته‌ای معنویت و همچنین وضعیت مطالعات معنویت در حوزه تخصصی خود نوشته‌اند.

۱-۲. زمینه مطالعات دینی^{۱۱}

از دهه هفتاد میلادی با اوج‌گیری معنویت‌های نوظهور حوزه مطالعاتی جدیدی با نام «مطالعات ادیان و معنویت‌های جدید» (مطالعات جنبش‌های نوظهور دینی^{۱۲} و یا معنویت‌های بدیل،^{۱۳} مطالعات معنویت‌گرایی عصر جدید^{۱۴}) در رشته مطالعات دینی

1. Adam Possamai.

2. Western Sydney University.

3. Stef Aupers.

4. University of Leuven.

5. Dick Houtman.

6. Erasmus University.

7. Devon Berry.

8. Natassja Smiljanic.

9. Pam McCarroll.

10. Peter R. Holmes.

۱۱. رشته دانشگاهی مستقل دین‌شناسی زیر مجموعه علوم انسانی است، اما رشته‌هایی که به شکل بینارشته‌ای شکل گرفته‌اند مانند مطالعات زنان زیر مجموعه علوم اجتماعی هستند. دین‌پژوهی در مورد حقانیت همه یا برخی از گزاره‌های دینی بی طرف است و رویکردی غیرمومنانه یا برون دینی به گزاره‌های ادیان دارد و به جای هدفش اثبات یا بطلان و یا تبیین صحت باشد صرفاً به دنبال تحلیل همدلانه و فهم گزاره‌های دینی است.

12. Study of new religious movements.

13. Study of alternative spirituality.

14. Study of new age spirituality.

(دین‌پژوهی) پدید آمده است (Bromley, 2009, p. 723). در سال‌های اخیر افرادی همچون دومینیک کورورایت،^۱ انگویلد سالید گیلهاس،^۲ میگوئل فاریس،^۳ الیزابت هنز، جیمز لوئیس،^۴ گردون ملتون،^۵ استیون ساتکلیف^۶ و ووتر هنیگراف^۷ (که رشته آنها مطالعات دینی است) سعی کرده‌اند از دریچه رشته مطالعاتی خود و با نگاهی ثانویه به دسته‌بندی مطالعات مربوط به معنویت گرای جدید بپردازند. این محققان در نگاهی از فراز به مطالعات معنویت جدید هرچند از آن به عنوان یک حوزه جدید مطالعاتی یاد می‌کنند اما آن را یک رشته دانشگاهی مستقل به حساب نمی‌آورند؛ برای مثال بروملی مطالعات ادیان و معنویت‌های جدید را یک «حوزه تخصصی مطالعاتی»^۸ می‌داند (Bromley, 2009, p. 723) و فاریس و هنز از آن با عنوان «مطالعه علمی معنویت»^۹ یاد می‌کند (Farias, 2008, p. 163)؛ همچنین اینگوید سالید گیلهاس این حوزه را «حوزه تحقیقاتی معنویت عصر جدید»^{۱۰} می‌نامد (Liselotte, 2016, p. 469) و متیو وود نیز آن را «حوزه مطالعات معنویت عصر جدید»^{۱۱} عنوان می‌دهد (Wood, 2016, p. 15)؛ اما هیچ‌کدام این حوزه مطالعاتی را رشته جدید دانشگاهی به حساب نمی‌آورند؛ زیرا همان‌طور که اینگوید سالید گیلهاس و استیون ساتکلیف بیان می‌کنند مطالعات معنویت گرای بررسی کارکرد معنابخشی دعا و نیایش به حیات بشر در منظومه دین با تأکید بر نظریه کاتینگهام جدید یا مطالعات معنویت عصر جدید (به مثابه یک پدیده اجتماعی و فرهنگی) یکی از زیر شاخه‌ها و

-
1. Domenic corrywright.
 2. Ingvild Sælid Gilhus.
 3. Miguel Faria.
 4. James R. Lewis.
 5. Gordon Melton.
 6. Steven Sutcliffe.
 7. Wouter Hanegraaff.
 8. Specialist field of study.
 9. Scientific study of spirituality.
 10. Research field of new age.
 11. The field of new age studies.

حوزه‌های فرعی مطالعات دینی یا دین‌پژوهی^۱ است و نه یک رشته مستقل دانشگاهی (Sutcliffe, 2014, p. 256).

به گفته کورورایت تفاوت محققانی که از زمینه مطالعات دینی به معنویت‌گرایی جدید می‌پردازند با محققانی که از زاویه علوم اجتماعی (به‌ویژه جامعه‌شناسی) به این پدیده می‌نگرند این است که گروه اول به دنبال مبانی و ریشه‌های پدیده هستند؛ اما گروه دوم در ارتباطات و مناسبات اجتماعی معنویت‌گرایی جدید کاوش می‌کنند؛ به عبارت دیگر محققانی که از زمینه مطالعات دینی به پدیده می‌نگرند به جای نگاه افقی و عرضی نگاهی عمودی و طولی به پدیده داشته و سعی می‌کنند در تحلیل خود به اعماق آن (لایه‌های معرفت‌شناختی و ریشه‌های تاریخی آن) بروند (Corrywright, 2003, p. 37).

البته کسانی که در زیر مجموعه مطالعات دینی به معنویت‌های نوظهور می‌پردازند خود رویکردهای گوناگونی دارند برخی مانند دومینک کورورایت، استیون ساتکلیف و جیمز لوییس هرچند دین‌پژوه هستند و در رشته مطالعات تاریخی ادیان آموزش دیده‌اند اما در تحقیقاتشان تمایل دارند از روش‌های علوم اجتماعی مثلاً روش قوم‌نگاری بهره گیرند؛^۲ به عبارتی دیگر برخی از پژوهشگران مطالعات معنویت در زمینه مطالعات دینی نیز از ابزارهای گوناگون جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی برای فهم و تبیین پدیده استفاده می‌کنند. اما برخی مانند ووتر هنیگراف، اولاو هامر^۳ و کوک وون استاکراد^۴ بر متن و تحقیق کتابخانه‌ای تمرکز دارند و از روش‌های تحلیل تاریخی و متنی بهره می‌گیرند.^۵

این افراد هرچند همه در رشته مطالعات دینی مشغول هستند و داعیه تأسیس رشته جدید دانشگاهی ندارند اما می‌توان آنها را زیر مجموعه حوزه مطالعاتی جدیدی به نام

1. Study of religion.

۲. ایمیل به جیمز لوییس در تاریخ ششم سپتامبر ۲۰۱۹

3. Olav Hammer.

4. Kocku von Stuckrad.

۵. ایمیل به کورورایت در تاریخ ۸ سپتامبر ۲۰۱۹

مطالعات ادیان جدید^۱ دانست که مانند دیگر حوزه‌های تازه تأسیس در رشته مطالعات دینی (مانند مطالعات جنسیت و دین) جذب‌کننده پژوهشگرانی از دیگر رشته‌های علمی مانند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و مردم‌شناسی و زمینه‌سازی برای مطالعات بینارشته‌ای است. پس، این مطالعات به عنوان یک حوزه از حوزه‌های جدید مطالعات دینی رسمیت یافته و پژوهشگرانی حرفه‌ای،^۲ نشریات^۳ و مؤسساتی^۴ تخصصی دارند، اما در قالب یک دیسپلین دانشگاهی هنوز تشکیل هویت نداده است (Bromley, 2009, p. 724).

۳-۱. زمینه الهیاتی

همان‌طور که اشاره شد محققانی که در زمینه علوم اجتماعی و مطالعات دینی از فراز به مطالعات معنویت نگاه کرده‌اند (مانند پیتر هلمز، دیوید بروملی،^۵ کورتنی بندر^۶ و فرانز وینتر^۷) معترف‌اند که در آن زمینه‌ها مطالعات معنویت در حد یک حوزه مطالعاتی است و هنوز تبدیل به یک رشته مستقل دانشگاهی نشده است.

اما با بررسی مقالات و آثار موجود مشخص می‌شود تنها محققان در زمینه الهیاتی هستند که معتقدند رشته مطالعات معنویت به عنوان یک دیسپلین مستقل و در ادامه دیسپلین الاهیات معنوی در میان آنها شکل گرفته است. البته افراد دیگری از زمینه‌های غیر الهیاتی نیز این شکل‌گیری را تأیید می‌کنند؛ برای مثال جرج ان فرر^۸ روان‌شناس

1. New religions studies.

۲. مانند ساتکلیف، لويس، داسون، رابینز و ...

۳. برخی از نشریات مطالعات معنویت‌گرایی جدید:

Nava Religio, International Journal For the Study of New religions, Alternative Spirituality and Religion Review (ASRR).

۴. مهم‌ترین مؤسسات و مراکز مطالعات نخله‌ها، معنویت‌ها و ادیان جدید عبارتند از:

INFORM, CESNUR, ISSN, CAN, ADFI, FAIR

5. David G. Bromley.

6. Courtney Bender

7. Franz Winter

8. Jorge n. ferrer.

معروف و صاحب «نظریه چرخش مشارکتی»، بر شکل‌گیری این دیسپلین مطالعاتی صحنه می‌گذارد (Ferrer, 2008, p. 21).

از این رو در این مقاله با هدف معرفی رشته مستقل مطالعات معنویت به زمینه الهیاتی این مطالعات توجه بیشتری خواهیم کرد و بر آن خواهیم شد تا محققان نسل اول (بنیانگذاران این رشته) و محققان نسل دوم (توسعه‌دهندگان آن) را معرفی کنیم و مهم‌ترین دیدگاه‌های این افراد را بررسی نماییم و از دریچه چشم آنها به تاریخچه و مهم‌ترین مسائل و موضوعات این رشته بنگریم.

در بررسی دیدگاه‌های هر محقق سعی خواهیم کرد به طور ضمنی به پرسش‌های زیر

پاسخ دهیم:

۱. محقق مورد بررسی تعریف معنویت را چه می‌داند؟
 ۲. آیا معنویت را رشته می‌داند و یا حوزه مطالعاتی و یا علمی مستقل؟
 ۳. پیشینه مطالعات معنویت را چگونه ترسیم می‌کند و آن را در ادامه یا زیرمجموعه کدام رشته مطالعاتی به حساب می‌آورد؟
 ۴. موضوع، مسائل و متدولوژی آن را چه می‌داند؟
 ۵. چه عنوانی برای این نوع مطالعات بر می‌گزیند؟
- به این شکل امید است که بتوانیم درکی بهتر از نحوه شکل‌گیری رشته مطالعات معنویت به مثابه یک رشته دانشگاهی جدید ارائه کنیم.

۲. رشته آکادمیک مطالعات معنویت

مطالعات معنویت ذیل الهیات و مطالعات دینی به دو شکل انجام می‌شود: ۱. پژوهش درباره تجربه معنوی، رفتارهای معنوی و مکاتب معنویت‌گرایی؛ ۲. پژوهش درباره معنویت‌گرایی جدید و نهضت عصر جدید.^۱ هر دو دسته پژوهش می‌تواند در یک طیفی

1. New age movement.

از الهیات تا مطالعات دینی انجام شود اما آنچه که به شکل یک رشته مطالعاتی یعنی یک دیسپلین دانشگاهی از دیگر رشته‌ها مستقل شده است بیشتر از نوع اول مطالعات معنویت و با رویکرد الهیاتی است و نوع دوم مطالعات یعنی مطالعات معنویت به مثابه پژوهش درباره پدیده اجتماعی معنویت‌گرایی جدید نیز به طور عمده توسط محققانی انجام می‌شود که در دپارتمان‌های مطالعات دینی مشغول به کار هستند و حوزه تخصصی آنها معنویت‌گرایی جدید یا ادیان جدید است.

البته همان طور که گفته شد هم معنویت‌گرایی جدید (پدیده اجتماعی) و هم معنویت (تجربه زیسته) در رشته‌های دیگر مانند جامعه‌شناسی، روانشناسی، بهداشت و درمان و ... هم پژوهش می‌شود اما از حوزه بحث مقاله ما خارج است؛ زیرا ما به دنبال مطالعات معنویت به مثابه یک رشته مستقل دانشگاهی هستیم و این رشته نیز چنانکه خواهیم دید از زمینه رشته الهیات مسیحی برخاسته و مستقل شده است.

لازم به ذکر است که در ادامه الهیات مسیحی، مطالعاتی دیگر هم وجود دارد که ممکن است مطالعات معنویت خوانده شود. در زمینه الهیات مسیحی، متفکران و الهیدانان این دین به معنویت از دو زاویه تحقیقاتی می‌نگرند: ۱. بررسی ارتباط مسیحیت با معنویت‌گرایی جدید (به مثابه یک پدیده فرهنگی و اجتماعی) از دریچه الهیات مسیحی؛ ۲. بررسی راه‌های شناخت و ارتقاء معنویات از دریچه الهیات مسیحی.

برای مثال لیندا مرکادانته،^۱ الهیات‌دان مسیحی که دغدغه اصلی وی بررسی و ارزیابی معنویت‌گرایی نوظهور به‌ویژه پدیده SBNR و Nones است را می‌توان از دسته اول دانست. آلستر مک‌گراس نیز در کتاب معنویت مسیحی^۲ به بیان انواع ارتباط الهیات مسیحی و معنویت‌گرایی جدید می‌پردازد؛ همچنین سلیا کوریه^۳ در مقاله‌ای با نام

1. Linda A. Mercadante.

2. Christian spirituality.

3. Celia kourie.

«معنویت سکولار»،^۱ و لیگ اشمیت^۲ در کتاب نفَس‌های بی‌قرار^۳ (درباره تاریخ معنویت‌گرایی جدید در امریکا و تعامل آن با مسیحیت)، به همین موضوع می‌پردازند. مجموعه مقالات «معنویت عصر جدید»^۴ به کوشش انکن فرگوسن^۵ که مقالاتی از الهیدانان مسیحیت اونجلیستی مانند متیو فاکس،^۶ دیوید اسپنگلر،^۷ لیزا وودساید،^۸ هارمون برو^۹ در نقد و ارزیابی معنویت عصر جدید را گردآورده است در همین زمینه است؛ همچنین گیسل وینست^{۱۰} که به ارتباط بین معنویت‌گرایی فمینیستی با مسیحیت می‌پردازد^{۱۱} را می‌توان از همین دست دانست.

البته ایجاد ارتباط بین مسیحیت و معنویت‌گرایی جدید به شکل ایجابی و آفندی نیز انجام شده است. کتاب فهم معنویت مسیحی^{۱۲} اثر میشل دونی^{۱۳} با رویکرد الهیاتی سعی کرده است اقتضائات معنوی انسان معاصر را درک کند و بعد از جریان‌شناسی و تحلیل معنویت‌های عصر جدید به ارائه مدلی از معنویت مسیحی بر اساس نیاز انسان معاصر بپردازد. از کتاب‌های دیگری که سعی کرده‌اند پاسخی ایجابی در واکنش به معنویت‌های جدید ارائه کنند می‌توان به کتاب زندگی در معنا^{۱۴}

1. Secular Spirituality.
2. Leigh Schmidt.
3. Restless souls.
4. New age spirituality.
5. Uncan S.Ferguson.
6. Mtthew Fax.
7. David Spangler.
8. Lisa Woodside
9. Harmon Bro.
10. Giselle Vincett.

۱۱. البته محققانی چون لیندا وودهد، روبرت پوتنام و نانسی آمرمن، گوسپه جوردانو هم به ارتباط معنویت‌گرایی جدید و مسیحیت پرداخته‌اند اما این فراد خود متعلق به زمینه الهیات مسیحی نیستند.

12. Undrestanding Christian Spirituality.
13. Michael Downey.
14. Life in the spirit.

اثر گرینمن^۱ اشاره کرد که با تمرکز بر سلوک معنوی^۲ سعی کرده است به گفته خود روح و معنایی به معنویت‌گرایی جدید که از روح القدس خالی است بازگرداند (Greenman, 2015, p. 36).

آثار دیگری نیز هستند که با استفاده از دستاوردهای علم روان‌شناسی و مشاوره سعی کرده‌اند قرائتی کاربردی از معنویت مسیحی برای مواجه انسان امروز با معنویت‌های جدید ارائه کنند؛ برای مثال کتاب معنویت تحول‌آفرین: یکپارچه‌سازی الهیات و روانشناسی^۳ اثر لرون شولتز^۴ و استیون سانداچ^۵ سعی کرده است با روشی بینارشته‌ای دستاوردهای روان‌شناسی را در خدمت تحول معنوی در بافت مسیحیت قرار دهد و یا کتاب معنویت شبانی^۶ اثر بن کمپل جانسون^۷ که سعی کرده است با استفاده از روان‌شناسی و مباحث جدید معنویت، الهیات شبانی مسیحی را به معنویت شبانی برای مسیحیان امروز تبدیل سازد. برخی آثار نیز با غلبه رویکرد فلسفی سعی کرده‌اند نسبت معنویت‌گرایی جدید و الهیات مسیحی را نشان دهند؛ برای مثال کتاب معنویت و الهیات^۸ مجموعه مقالاتی است که به کوشش اریک اسپرینگست^۹ جمع‌آوری شده و در آن از مسائلی همچون ارتباط معنویت مسیحی با مبانی پست‌مدرن^{۱۰} و ارتباط آن با جهان سکولار بحث شده است.

اما آنچه که در زمینه الهیات مسیحی شکل گرفته و مربوط به زاویه تحقیقاتی دوم

1. Jeffrey Greenman
2. Spiritual Formation.
3. Transforming Spirituality.
4. F. Leron Shults.
5. Steven J. Sandage.
6. Pastoral Spirituality.
7. Ben Campbell Johnson.
8. Spirituality and Theology.
9. Eric Springsted.

۱۰. البته برخی فلاسفه نیز مانند دیوید ری گریفین (David Ray Griffin) در کتاب قدسی‌سازی علم (Reenchantment of Science) نیز به ارتباط معنویت و پست مدرنیسم پرداخته است؛ اما در اینجا مراد آن دسته از پژوهش‌هایی است که هرچند وارد مباحث فلسفی معنویت شده‌اند اما رویکردی الهیاتی داشته‌اند.

یعنی بررسی راه‌های شناخت و ارتقاء معنویات است و امروزه نام مطالعات معنویت بر آن اطلاق می‌شود پژوهش‌هایی است که سعی کرده‌اند معنویت مسیحی را به عنوان یک تجربه زنده دینداری در حوزه‌های گوناگون زندگی مسیحیان مفهوم‌سازی و احیا کنند. ریشه این مطالعات به «الهیات معنوی»^۱ باز می‌گردد که به عنوان خواهر الهیات عرفانی^۲ در قرن هفدهم میلادی و به عنوان یک حوزه الهیاتی مستقل در اروپا^۳ ظاهر شد (Schneiders & Holder, 2005, p. 22).

الهیات معنوی در خلال قرن هفدهم میلادی تا نیمه قرن بیستم میلادی مطالعه نظری درباره «زندگی کمال‌یافته» و زندگی درونی افرادی به حساب می‌آمد که به دنبال تعالی از زندگی روزمره مسیحی و پاسخ‌دادن به دعوت حضرت مسیح و روح‌القدس بودند. در حقیقت الهیات معنوی (و الهیات زهدورزی^۴) مطالعه زندگی معنوی فعالانه (زندگی در تعامل با روح القدس) بود و الهیات عرفانی مطالعه زندگی معنوی منفعلانه (یعنی زندگی تحت سلطه روح القدس و منفعل در برابر امور غیبی و روحانی) به شمار می‌آمد (Schneiders & Holder, 2005, p. 23).

بر اساس دیدگاه توماس میشل الهیات معنوی یا الهیات روحانی علمی است که هدف آن فهم فیض خداوند به عنوان یک عمل در زندگی مؤمنان مسیحی است و شامل مباحثی از جمله هدف زندگی مسیحی، مراحل کمال، شیوه‌های دعا و تأمل روحی، بررسی مشکلاتی که مؤمن در راه تهذیب نفس با آن مواجه می‌شود از قبیل تطبیق شعائر دینی و معنوی با زندگی روزمره و راه‌های تشخیص خواطر رحمانی از خواطر شیطانی است (توماس، ۱۳۸۱، ص ۱۲۶).

این نوع مطالعات ذیل الهیات معنوی و کاملاً با روش قیاسی انجام می‌گرفت؛ یعنی

1. Spiritual Theology.

2. Mystical Theology.

۳. البته به طور دقیقتر در مسیحیت کاتولیک اروپا این نوع الهیات پیدا شد؛ زیرا در کلیسای پروتستان واژه معنویت به کار نمی‌رفت و به جای آن کلمه پارسایی (Piety) استفاده می‌شد.

4. Ascetical theology.

نتایج ضروری از یک سری مقدمات اعتقادی و کلامی در حوزه معنویات استخراج می‌شد. اما بعد از شورای دوم واتیکان (۱۹۶۲ تا ۱۹۶۵)^۱ الهیات معنوی که رویکردی سنتی داشته جای خود را به معنویت (مطالعات معنویت) داد که در آن رویکرد استقرایی و همچنین رویکرد بین‌الادیانی اشراب شده بود. از لحاظ معنایی نیز مطالعات معنویت بیشتر از آن که حاکی از پویایی در روح القدس باشد به معنای عمق بخشی به زندگی درونی شخصی البته در بافت مسیحی معنا می‌شد. به این شکل از نیمه سده بیستم معنویت به مثابه دانشی از مجموعه دانش‌های دین‌پژوهی هم با ایجاد تغییراتی در رویکرد، روش و موضوع در کنار و تا حدی به جای سه شاخصه سنتی مشابه یعنی الهیات عرفانی، الهیات معنوی و الهیات زهدورزی نشست و هم با تأکید بر این تغییرات سعی کرد خود را از رشته الهیات به سمت رشته مطالعات دینی (که در روش سکولار است) نزدیکتر کند (Sheldrake, 2005, p. 7).

محققان رشته جدید مطالعات معنویت را می‌توان در دو نسل معرفی کرد. نسل اول محققانی هستند که بعد از شورای دوم واتیکان از زمینه‌های دیگر الهیاتی و یا از همان زمینه الهیات معنوی سعی کرده‌اند معنویت را به عنوان یک رشته مستقل معرفی کنند. محققان نسل دوم نیز افرادی هستند که بر اساس همان چارچوب ایجاد شده سعی کرده‌اند برخی چالش‌ها و مشکلات این رشته جدید را حل کنند و با توسعه موضوعات آن به بسط مطالعات معنویت کمک نمایند.

۱-۲. محققان نسل اول

از محققان نسل اول که خود به طور عمده مربوط به قلمرو مطالعات کتاب مقدسی و یا الهیات تاریخی هستند اما سعی کرده‌اند درکی از جایگاه، انواع، روش‌ها و رویکردهای مطالعات معنویت به عنوان یک رشته جدید ارائه کنند و با نگاهی ثانویه غیر از بیان تاریخچه، اهداف و پیشینه تحقیقات در این رشته جدید به شکل‌گیری آن نیز

1. Concilium Oecumenicum Vaticanum Secundum.

کمک نمایند می توان والتر پرینسیپه، فیلیپ شلدراک، ساندر اشنايدرز، رابرت مک گین، کیس وایمن، ادوارد کینرک (Kinerk, 1981, vol. 1, p. 40)، بردلی هانسون (Hanson, 1990)، کنس کولینز (Collins, 1996, pp.76-94) و اورت کازینز^۱ را نام برد.

۲-۲. محققان نسل دوم

در کنار محققان نسل اول مطالعات معنویت که به طور عمده قبل از سال ۲۰۰۰ میلادی درباره رشته مطالعات معنویت سخن گفته اند و تأثیر گذارترین آنها را نام بردیم، محققان دیگری مانند آرتور هولدر، دیوید پیرین، الیزابت هنز،^۲ مری فرولیک،^۳ کلارا ولفیچ، پتر فلدمایر،^۴ الیزابت لیبرت،^۵ بلدن سی لین،^۶ میشل اوسالیوان، الیزابت دریر،^۷ برنات فلاناگان^۸ الیزابت هنز، فرانس جسرپرس و همچنين سلیا کوریه نیز هستند که بین سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ مقالاتی درباره اهمیت، تاریخچه و روش شناسی مطالعات معنویت در بستر الهیات مسیحی نوشته اند. این نوشته ها به طور عمده بر اساس همان چارچوبی است که نویسندگان قبلی مانند اشنايدرز، وایمن، شلدراک، پرینسیپه و مک گین ارائه کرده اند. در برخی از این نوشته ها تاریخ شکل گیری رشته معنویت گسترش یافته و تکمیل شده است و در برخی دیگر، مصادیق عینی آن درج شده است و

1. Ewert H. Cousins.

کازینز غیر از دایرة المعارف ۲۵ جلدی معنویت جهان دارای آثار زیر در زمینه معنویت مسیحی است:

- COUSINS, E.H. 1990. What is Christian spirituality? (In Hanson, B.C., ed. Modern Christian spirituality: methodological and historical essays. Atlanta: Scholars Press. pp. 39-44)
- COUSINS, E.H. 2000. A spirituality for the new axial period. (In Collins, K.J., ed. Exploring Christian spirituality: an ecumenical reader. Michigan: BakerBooks. pp. 83-89)

2. Elisabeth Hense (present-day spiritualities).

3. Mary Frohlich.

4. Peter Feldmeier

5. Elizabeth Liebert.

6. Belden C. Lane.

7. Elizabeth A. Dreyer.

8. Bernadette Flanagan.

در برخی دیگر موضوعات و مسائل این رشته توسعه یافته است. برخی از این نوشته‌ها نیز به گسترش یا نقد و تحلیل روش‌شناسی‌های بیان‌شده برای این رشته مطالعاتی پرداخته‌اند. اما در یک نگاه کلی به این آثار می‌توان تشخیص داد که نویسندگان بعدی نیز به جداسدن تدریجی رشته مطالعات معنویت از الهیات صحنه می‌گذارند و بر بینارشته‌ای بودن روش‌شناسی آن تأکید می‌کنند. در ادامه برخی از محققان برجسته نسل دوم معرفی می‌شوند:

۳. نشانه‌های پیدایش رشته مطالعات معنویت

میشل اوسالیوان در مقاله‌ای با نام «معنویت: رشته جدید دانشگاهی» (O'Sullivan, 2008, pp. 71-77) که در سال ۲۰۰۸ به مناسب برگزاری کنفرانس «معنویت به مثابه رشته‌ای دانشگاهی» نوشته است در چند مقوله به دسته‌بندی و معرفی نشانه‌های حاکی از تولد رشته دانشگاهی جدیدی با نام معنویت می‌پردازد. نشانه‌های چون تعداد متخصصان، مجلات، همایشها، کتاب‌ها و غیره. اما در میان نشانه‌ای بیان شده بیش از همه این نشانه که آیا متخصصان دیگر رشته‌ها این رشته را به رسمیت پذیرفته‌اند، می‌تواند برای قضاوت درباره تبدیل این حوزه مطالعاتی به رشته مستقل مفید باشد.

جرج ان فرر، روانشناس و صاحب نظریه «چرخش مشارکتی» در کتاب خود با همین عنوان، شکل‌گیری مطالعات معنویت به عنوان یک دیسیپلین مطالعاتی^۱ جدید را تأیید می‌کنند و آغاز پیدایش آن را دهه نود میلادی می‌دانند (Ferrer, 2008, p. 21). میشل اوسالیوان نیز اظهارات پنج محقق دیگر را نقل می‌کند که به طور مشخص از پیدایش رشته جدید معنویت به مثابه یک رشته دانشگاهی سخن گفته‌اند (O'Sullivan, 2008, pp. 72-73): پیتر د ویلیرز^۲ این رشته را توسعه جدیدی در رشته الهیات و مطالعات دینی می‌داند و آن را «مطالعه دانشگاهی معنویت»^۳ می‌نامد (De Villiers, 2006, p. i). الیزابت دریر از تولد

1. Discipline of spirituality.

2. Pieter G. R. de Villiers.

3. The academic study of spirituality.

یک رشته دانشگاهی جدید سخن می‌گوید و آن را «مطالعه معنویت به مثابه یک دیسپلین دانشگاهی»^۱ می‌خواند (Dreyer, 2005, p. xi). آرتور هلدر در کتاب همراه بلکول با موضوع معنویت مسیحی می‌گوید: «رشته معنویت مسیحی در سال‌های اخیر به عنوان یک رشته دانشگاهی متمایز در دانشگاه‌ها، کالج‌ها و مدارس الهیاتی البته در جهان انگلیسی زبان پدیدار شده است» (Schneiders & Holder, 2005, p. 1). بروس لیشر و الیزابت لیبرت نیز در کتاب کاوشی در معنویت مسیحی معنویت مسیحی را یک رشته دانشگاهی و به عنوان بازیگری مهم در مطالعات مرتبط با تجربه دینی می‌دانند (Schneiders, 2006, p. 1). فیلیپ شلدراک نیز «معنویت» را یک دیسپلین دانشگاهی می‌داند که اخیراً پدیدار شده و روش‌شناسی مختص به خود دارد (Sheldrake, 2014, p. vii).

هرچند بر اساس این اظهارات و آشنایی با تلاش‌های متخصصان می‌توان تصدیق کرد که تلاش‌هایی برای شکل‌گیری یک رشته مستقل دانشگاهی به ظهور رسیده است، هنوز اعتراف به وجود یک رشته نیاز به شواهد بیشتری دارد. یکی دیگر از شواهد مهم می‌تواند دپارتمان‌های فعال در زمینه مطالعات معنویت در غرب باشد. همان‌طور که در مقدمه گفته شد داشتن وجه نهادی در قالب دپارتمان، انجمن، نشریه و... بهترین ممیزه است که می‌توان بر اساس آن یک رشته دانشگاهی را از یک حوزه مطالعاتی تفکیک کرد.

به نقل از اوسالیوان در سال ۱۹۷۶ ساندراسن را شناسیدرز برنامه آموزشی در سطح دکتری با عنوان معنویت مسیحی در واحد تحصیلات تکمیلی الهیات^۲ در برکلی کالیفرنیا راه‌اندازی کرد. البته تا ۱۹۹۲ طول کشید تا رشته دانشگاهی معنویت مسیحی در آن واحد الهیاتی به یک رشته مستقل با دانشکده و قواعد مختص به خود تبدیل شود. امروزه دانشگاه‌های متعددی رشته دانشگاهی مستقل در زمینه مطالعات معنویت دارند: دانشگاه فوردهام^۳ در

1. The study of spirituality as an academic discipline.
2. Graduate Theological Union (GTU).
3. Fordham University.

نیویورک، مؤسسه تیتوس براندسما در دانشگاه رادبود^۱ (در شهر نایمگن^۲ هلند)، دانشگاه گریگوری^۳ در رم، دانشگاه کاتولیک^۴ شهر لیون^۵ (بلژیک)، مرکز معنویت^۶ در دانشگاه آنتورپ^۷ (در شهر کومیللاس^۸ اسپانیا)، دانشگاه مونستر^۹ در آلمان، مرکز سیورس^{۱۰} در پاریس، کالج هیتروپ^{۱۱} در دانشگاه لندن، کالج ساروم^{۱۲} در شهر سلزبوری،^{۱۳} کالج سنت ماری^{۱۴} لندن، دانشگاه لنکستر^{۱۵} و دانشگاه آفریقای جنوبی^{۱۶} (UNISA) در شهر پرتوریا،^{۱۷} دانشگاه لوبلیانا^{۱۸} در اسلونی و دانشگاه مالتا^{۱۹}. دانشگاه کالیفرنیا^{۲۰} در برکلی، دانشگاه ولز^{۲۱} در شهر لامپتر^{۲۲}، کالج سنت آگوستین آفریقای جنوبی^{۲۳} در

-
1. Radboud University.
 2. Nijmegen.
 3. Gregorian University.
 4. Catholic University.
 5. Leuven.
 6. Centre for Spirituality.
 7. University of Antwerp.
 8. Comillas.
 9. University of Münster.
 10. Centre Sèvres.
 11. Heythrop College.
 12. Sarum College.
 13. Salisbury.
 14. St. Mary's University College.
 15. University of Lancaster.
 16. University of South Africa.
 17. Pretoria.
 18. University of Ljubljana.
 19. University of Malta.
 20. University of California.
 21. University of Wales.
 22. Lampeter.
 23. St Augustine College of South Africa.

و دانشگاه فیری استیت^۲ در بلومفونتن^۳ این دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی به طور عمده در قالب دوره‌های دکتری و کارشناسی ارشد و تا حدی در بیشتر مدرسه‌های تابستانه و یا دوره‌های کوتاه‌مدت به تدریس مطالعات معنویت می‌پردازند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله با معرفی و بازخوانی پژوهش‌هایی که به معرفی اطلس مطالعات معنویت پرداخته‌اند سعی شد این پرسش پاسخ داده شود که در چه مواردی این مطالعات در حد یک حوزه مطالعاتی است و در چه مواردی از یک حوزه مطالعاتی فراتر رفته و به یک رشته دانشگاهی تبدیل شده است. با تقسیم پژوهش‌های موجود به سه دسته یعنی پژوهش‌های برخاسته از زمینه علوم اجتماعی، پژوهش‌های برخاسته از زمینه مطالعات دینی و پژوهش‌های برخاسته از زمینه الهیاتی مشخص شد تنها در زمینه الهیاتی این داعیه وجود دارد که معنویت یک رشته مطالعاتی مستقل است؛ اما در دو زمینه دیگر پژوهشگران معتقدند این مطالعات تنها در حد شکل دادن به یک حوزه مطالعاتی جدید بوده و تبدیل به یک رشته مستقل نشده است.

از آنجا که هدف مقاله بررسی این ادعا بود که مطالعات معنویت به یک رشته مستقل دانشگاهی تبدیل شده است، ناگزیر بحث بر زمینه الهیاتی متمرکز شد و با تقسیم پژوهشگران این حوزه در قالب دو نسل مطالعاتی به معرفی اجمالی افرادی اقدام شد که در پژوهش‌های خود درباره چیستی این رشته مطالعاتی، روش‌شناسی و مهم‌ترین مسائل، موضوعات و اهداف آن سخن گفته‌اند. بر اساس این پژوهش‌ها، مطالعات معنویت به مثابه یک رشته مستقل و جدا شده از الهیات مسیحی و در ادامه الهیات معنوی است که

→

1. Johannesburg.
2. University of the Free State.
3. Bloemfontein.

متمرکز بر تجربه زیسته ایمان مسیحی بوده و سعی می‌کند با کمک‌گیری از دیگر رشته‌های علمی مانند جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، روان‌شناسی و... به شکل بینارشته‌ای این تجربه را توصیف و تبیین کند و دستاوردهای علمی خود را در اختیار جامعه مسیحی و دیگر علاقه‌مندان به معنویت قرار دهد.

پس این ادعا وجود دارد که مطالعات معنویت در زمینه الهیاتی تحقق یافته و به معنویت به مثابه یک تجربه زنده می‌پردازد. اما شاید تصمیم‌گیری درباره اینکه این حوزه مطالعاتی تبدیل به یک رشته مستقل شده یا خیر هنوز امکان‌پذیر نباشد؛ زیرا در کنار نشانه‌هایی که اوسالیوان بررسی کرد وقتی می‌توان به تولد یک رشته به طور قطع اذعان داشت که رشته‌های دیگر نیز استقلال آن را به رسمیت شناخته باشند. در نشانه‌های بیان شده هر چند اظهار نظر برخی از متخصصان درباره شکل‌گیری رشته مطالعات معنویت بیان شد اما این شواهد به اندازه‌ای نیست که حکایت از پذیرش عام در میان محققان به‌ویژه محققان رشته الهیات داشته باشد؛ پس نمی‌تواند ادعای پیدایش رشته دانشگاهی مطالعات معنویت را رد کرد، اما پذیرش عام آن به‌ویژه از سوی دیگر زیرشاخه‌های الهیات مسیحی هنوز مورد تردید است.

فهرست منابع

۱. تفضلی، زهره. (۱۳۹۴). فهم معماری به مثابه رشته دانشگاهی مقتضیات و امکان‌ها، فرض‌ها و پرسش‌ها. فصلنامه علمی - پژوهشی صفت زمستان، ۲۵(۴)، صص ۵-۲۶.
۲. توماس، میشل. (۱۳۸۱). کلام مسیحی (مترجم: حسین توفیقی). قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۳. شاکر نژاد، احمد. (۱۳۹۷). معنویت‌گرایی جدید. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴. یغمایی، مینو؛ منجمی، علیرضا. (۱۴۰۱). واژه‌نامه توصیفی رشته، چند رشته‌ای، میان‌رشته‌ای، حوزه. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۲۲(۱۹)، صص ۱۴۲-۱۴۳.
5. Areekkuzhiyil, Santhosh. (2017). *Emergence of New Disciplines*. Online Submission, Edutracks, Vol: 17, No: 4.
6. Bromley, D. G. (2009). *New religions as a specialist field of study*. in: The Oxford Handbook of the Sociology of Religion, Ed: Peter Clarke, Oxford, london.
7. Collins, Kenneth J. (1996). What is Spirituality? Historical and Methodological Considerations. *Wesleyan theological journal*, 31(1), pp. 76-94.
8. Corrywright, Dominic Fraser. (2001). *Theoretical and empirical investigations into New Age spiritualities: with special reference to the south west of England*. PhD diss., University of Bristol.
9. De Souza, M., Bone, J., & Watson, J. (Eds.). (2016). *Spirituality across disciplines: Research and practice*. New York: Springer International Publishing.
10. De Villiers, Pieter GR. (2006). *The spirit that moves. A new society and its first publication: preface*. Acta Theologica 2006, no. sup-8, P I-V.
11. Farias, Miguel, and Elisabeth Hense. (2008). Concepts and misconceptions in the scientific study of spirituality. Religion, spirituality and the social sciences: *Challenging marginalization*, pp. 163-176.

12. Ferrer, Jorge N., and Jacob H. Sherman, eds. (2008). *The participatory turn: Spirituality, mysticism, religious studies*. Suny Press.
13. Hanson, Bradley C. (1990). *Modern Christian spirituality: Methodological and historical essays*. (Vol. 62). Scholars Press.
14. Hense, Elisabeth, Frans Jaspers, and Peter Nissen. (2014). Some remarkable overlaps in the study of present-day spiritualities. In *Present-Day Spiritualities*, pp. 219-223.
15. Holder, Arthur, ed. (2011). *The Blackwell companion to Christian spirituality*. John Wiley & Sons.
16. Kinerk, Edward. (1981). Toward a Method for the Study of Spirituality. *Review for Religious*, 40(1), pp. 3-19.
17. Liselotte Frisk, Ingvild Sælid Gilhus, and Siv Ellen Kraft, (2016). The new age, In: Lewis, James R., and Inga B. Tollefsen, eds. *The Oxford handbook of new religious movements*. Vol. 2. Oxford University Press.
18. O'Sullivan, Michael. (2008). Spirituality: a new academic discipline. *Published in Melita Theologica*, 59(2), pp. 71-77.
19. Schneiders, S. M., & Holder, A. (2005). *The Blackwell companion to Christian spirituality*. Edited by Arthur G. Holder. Maiden, MA: Blackwell.
20. Schneiders, Sandra Marie. (2006). *Exploring Christian spirituality: essays in honor of Sandra M. Schneiders*. Paulist Press.
21. Sheldrake, Philip. (2014). *Spirituality: A guide for the perplexed*. Bloomsbury Publishing.
22. Sheldrake, Philip. (Ed.). (2005). *The new Westminster dictionary of Christian spirituality*. Westminster John Knox Press.
23. Sutcliffe, Steven J., and Ingvild Saelid Gilhus. (2014). *New age spirituality: rethinking religion*. Routledge.
24. Wood, Matthew. (2016). *Possession, power and the New Age: Ambiguities of authority in neoliberal societies*. Routledge.

25. Ferrer, J. N., & Sherman, J. H. (Eds.). (2008). *The participatory turn: Spirituality, mysticism, religious studies*. Suny Press.
26. Schneiders, S. M., & Holder, A. (2005). *The Blackwell companion to Christian spirituality*. Edited by Arthur G. Holder. Maiden, MA: Blackwell.
27. Greenman, J. P., & Kalantzis, G. (Eds.). (2015). *Life in the Spirit: Spiritual formation in theological perspective*. InterVarsity Press.

References

1. Areekkuzhiyil, Santhosh. (2017). *Emergence of New Disciplines*. Online Submission, Edutracks, Vol: 17, No: 4.
2. Bromley, D. G. (2009). *New religions as a specialist field of study*. in: The Oxford Handbook of the Sociology of Religion, Ed: Peter Clarke, Oxford, London.
3. Collins, Kenneth J. (1996). What is Spirituality? Historical and Methodological Considerations. *Wesleyan theological journal*, 31(1), pp. 76-94.
4. Corrywright, Dominic Fraser. (2001). *Theoretical and empirical investigations into New Age spiritualities: with special reference to the south west of England*. PhD diss., University of Bristol.
5. De Souza, M., Bone, J., & Watson, J. (Eds.). (2016). *Spirituality across disciplines: Research and practice*. New York: Springer International Publishing.
6. De Villiers, Pieter GR. (2006). *The spirit that moves. A new society and its first publication: preface*. Acta Theologica 2006, no. sup-8, P I-V.
7. Farias, Miguel, and Elisabeth Hense. (2008). Concepts and misconceptions in the scientific study of spirituality. Religion, spirituality and the social sciences: *Challenging marginalization*, pp. 163-176.
8. Ferrer, J. N., & Sherman, J. H. (Eds.). (2008). *The participatory turn: Spirituality, mysticism, religious studies*. Suny Press.
9. Ferrer, Jorge N., and Jacob H. Sherman, eds. (2008). *The participatory turn: Spirituality, mysticism, religious studies*. Suny Press.
10. Greenman, J. P., & Kalantzis, G. (Eds.). (2015). Life in the Spirit: Spiritual formation in theological perspective. *InterVarsity Press*.
11. Hanson, Bradley C. (1990). *Modern Christian spirituality: Methodological and historical essays*. (Vol. 62). Scholars Press.
12. Hense, Elisabeth, Frans Jespers, and Peter Nissen. (2014). Some remarkable overlaps in the study of present-day spiritualities. In *Present-Day Spiritualities*, pp. 219-223.
13. Holder, Arthur, ed. (2011). *The Blackwell companion to Christian spirituality*. John Wiley & Sons.

14. Kinerk, Edward. (1981). Toward a Method for the Study of Spirituality. *Review for Religious*, 40(1), pp. 3-19.
15. Liselotte Frisk, Ingvild Sælid Gilhus, and Siv Ellen Kraft, (2016). The new age, In: Lewis, James R., and Inga B. Tollefsen, eds. *The Oxford handbook of new religious movements*. Vol. 2. Oxford University Press.
16. O'Sullivan, Michael. (2008). Spirituality: a new academic discipline. *Published in Melita Theologica*, 59(2), pp. 71-77.
17. Schneiders, S. M., & Holder, A. (2005). *The Blackwell companion to Christian spirituality*. Edited by Arthur G. Holder. Maiden, MA: Blackwell.
18. Schneiders, S. M., & Holder, A. (2005). *The Blackwell companion to Christian spirituality*. Edited by Arthur G. Holder. Maiden, MA: Blackwell.
19. Schneiders, Sandra Marie. (2006). *Exploring Christian spirituality: essays in honor of Sandra M. Schneiders*. Paulist Press.
20. Shakranjad, A. (1397 AP). *New spirituality*. Qom: Islamic Science and Culture Acadmey. [In Persian]
21. Sheldrake, Philip. (2014). *Spirituality: A guide for the perplexed*. Bloomsbury Publishing.
22. Sheldrake, Philip. (Ed.). (2005). *The new Westminster dictionary of Christian spirituality*. Westminster John Knox Press.
23. Sutcliffe, Steven J., and Ingvild Saelid Gilhus. (2014). *New age spirituality: rethinking religion*. Routledge.
24. Tafazol, Z. (1394 AP). Understanding architecture as an academic discipline, requirements and possibilities, assumptions and questions. *Journal of Sefeye Zemestan*, 25(4), pp. 5-26. [In Persian]
25. Thomas, M. (1381 AP). *Christian Theology* (Tofighi, H, Trans.). Qom: Religions and Religions Studies and Research Center. [In Persian]
26. Wood, Matthew. (2016). *Possession, power and the New Age: Ambiguities of authority in neoliberal societies*. Routledge.
27. Yaghmaei, M., & Monajemi, A. R. (1401 AP). Descriptive dictionary of fields, multi-fields, inter-fields, fields. *Iranian Journal of Education in Medical Sciences*, 22(19), pp. 142-143. [In Persian]